



### درددل تهرانی‌ها با «تهران تو»

«تهران تو» برنامه‌ای در رادیو تهران است که تلاش می‌کند مشکلات اهالی تهران را بی‌پرده به گوش مسئولان برساند. به گزارش جام جم، برنامه تهران تو روزهای شنبه تا چهارشنبه به صورت زنده از ساعت ۱۵ به مدت ۳۰ دقیقه در شبکه رادیویی تهران پخش می‌شود. این برنامه با بیان، بررسی و پیگیری مشکلات، معضلات و مسائل

## در مره

## ی ارباب ورعیتی

### و بازیگران سریال «کلبه‌ای در مره»



ی در مره که هر شب روی آنتن شبکه ۳ می‌رود مهمان روزنامه جام جم بودند/ عکس: مجید آزاد- جام جم

تصمیم گرفته تا او را به‌عنوان همسر دوم به عقدش در بیاورد اما «می‌جان» جواب سریالاً به برزوخان می‌دهد و... در کنار این قصه ما داستان شخصیت‌های دیگر را هم می‌بینیم که هر کدام پا داستان اصلی گره خورده‌است، شخصیت‌هایی که هر کدام فراز و نشیب‌هایشان را در قصه شاهد هستیم. از قصه سیروس و فرح و مادرش گرفته تا نادر و خواهرش نازیانو که همسر برزوخان است. از سوی دیگر شخصیت‌هایی همچون دامون و تایه را می‌بینیم که آنها با ماجراهایی روبه‌رو می‌شوند. تعداد شخصیت‌های این سریال کم نیست که هر کدام رنگ و لعاب خاصی به قصه داده‌اند. پخش این سریال از شبکه سه پهنانه‌ای شد تا ما میزبان سعید پروینی تهیه‌کننده، حسن لفافیان کارگردان و سام قربیبیان، حمید ابراهیمی، حسام محمودی و رویا حسینی بازیگران سریال باشیم و آنها پاسخگوی سؤالات جام جم باشند.

#### کار کردن در شمال به مراتب سخت‌تر است



**❗ آقای پروینی اتفاق خوبی در سریال کلبه‌ای در مره افتاده و این‌که شما تهران گریزی کردید اما چرا در این مواقع تهیه کنندگان سراغ شمال می‌روند و قصه و شخصیت‌ها به گونه‌ای تعریف نمی‌شود که در دیگر مناطق ایران به تصویر کشیده شود؟**

**پروینی:** من سال ۹۶ قصه را به چند نویسنده سفارش دادم که در نهایت قصه‌ای که در شمال می‌گذشت مورد قبول بود. محتوای قصه به لحاظ تاریخی باید در گرگان اتفاق می‌افتاد یا در گیلان. یک سری اتفاقات در قسمت‌های آتی سریال می‌افتد که متوجه صحبت من می‌شوید. موقعیتی جغرافیایی سریال درست تعریف شده و اگر این طور نمی‌شد جواب نمی‌داد. ضمن این‌که کار در شمال به مراتب سخت‌تر از دیگر لوکیشن‌هایی است که کمتر آثار نمایشی در آنجاها ضبط شده‌است، زیرا گروه‌های فیلمبرداری زیاد رفته‌اند و گاهی مردم شیفت می‌کنند، به همین دلیل گروه تولید اذیت می‌شود. علاوه بر آن باید لوکیشن‌های سریال تکراری نمی‌بود و فضا سازی برای مخاطب بکر باشد. همین کار را سخت می‌کرد.

**ابراهیمی:** جغرافیا در درام نویسی خیلی اهمیت دارد. اگر قرار بود این قصه را در یزد به تصویر بکشیم، مسلماً باید طور دیگری شخصیت پردازی‌ها انجام می‌شد، زیرا محیط تربیتی و فرهنگی آن منطقه با شمال تفاوت دارد. آدم‌های کویر ویژگی‌های دیگری دارند. به همین دلیل خان کویر با خان

فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... شهروندان تهرانی روی آنتن می‌رود. مشارکت شنوندگان در مباحث مختلف برنامه از ویژگی‌هایی است که سبب پویا شدن و تعدد موضوع‌های مورد بررسی در آن می‌شود. مخاطبان می‌توانند با ارسال عدد یک به شماره پیامک ۴۰۰۰۰۹۴ آمدگی خود را برای اظهار نظر درباره

#### قصه ساخت یک معدن

**❗ در آثار پیشین ما کمتر معدن و این شغل را دیده بودیم، برای طراحی آن چه کردید و چه شده که این بخش وارد قصه شد؟**

**لفافیان:** اصولاً هر کارگردانی دوست دارد در لوکیشن واقعی کار کند. یعنی برود یک معدن پیدا کند و تصویر بگیرد. ما معدن اطراف تهران و شمال و... را دیدیم. متوجه شدیم محدودیت‌های تولیدی داریم، یعنی باید برای تصویربرداری هر دفعه چند ساعت مسافت طی می‌کردیم تا به معدن برسیم، محدودیت‌های تصویری هم داشتیم، چون معدن برای کار ساخته شده‌است. نور ندارد. سقشش کوتاه است. امکان اسکان یک گروه صد نفره که برای فیلمبرداری به داخل آن بروند، وجود ندارد. همه اینها و تعدد سکانس‌های معدن باعث شد با آقایان پروینی، نژادامانی و عزیزی فر به عنوان طراح صحنه و مدیر هنری به این برسیم که اگر بتوانیم معدن را بسازیم، خیلی بهتر است. طبیعتاً هزینه‌مان بیشتر شد اما الان که خروجی را می‌بینیم راضی هستیم که کار خودمان است. سقف را آن‌گونه که می‌خواستیم طراحی کردیم و...

**❗ جالب است مخاطب هم متوجه ساختگی بودن معدن نمی‌شود.**

**لفافیان:** پس شما هم این بخش را حذف کنید و نگویید تا تصور کنند در یک معدن واقعی تصویربرداری داشتیم! (می‌خندد) **ابراهیمی:** البته من یک کاری داشتم که از تلویزیون پخش نشد. در آن به یک معدن واقعی رفتم. مدام از کارگرفتی، ریختن معدن و ... می‌ترسیدم و یک آمبولانس جلوی در بود.

**لفافیان:** معدن زغال سنگ دائم آماده انفجار است چون گاز عجیبی دارد. **❗ آقای ابراهیمی، چقدر از نتیجه کار راضی هستید؟** **ابراهیمی:** همیشه نمی‌شود کاملاً از چیزی راضی بود. شاید من هم در این سریال از

موضوع برنامه اعلام کنند. براساس آمارهای موجود به‌طور میانگین ماهانه حدود ۴۰۰۰ پیامک درخواست از طرف مخاطبان ثبت می‌شود که به صورت اتفاقی با تعدادی از آنان تماس می‌گیرند و در برنامه حاضر می‌شوند. تهران تو کاری از گروه تهران و رویدادهاست که با اجرای وحید رونقی پخش می‌شود.

#### همه برای یکی، یکی برای همه

**هستید. چقدر خانم یوانی، آقای قربیبیان و دیگر همکاران به شما کمک کردند؟**

**حسینی:** شخصیت من این‌گونه است که ابتدا کمی ارتباط برقرار کردن با دیگران برایم سخت است ولی کم‌کم اخت می‌شوم. آقای پروینی در این مورد خیلی کمک کردند. به هر حال وقتی در فضای جدید قرار می‌گیری این اضطراب پیش می‌آید. من تجربه آنچنانی هم در بازیگری نداشتم. سام، حسام و خانم یوانی که سکانس‌های بیشتری با آنها داشتم واقعا حمایت کردند. همه کمک می‌کردند و اصلاً این فضا نبود که چون کسی جدید است اذیتش کنند.

**❗ سریال را هر شب دنبال می‌کنید؟** **حسینی:** برای من خیلی مهم است و دنبال می‌کنم تا ایرادات خودم را پیدا کنم.

**❗ آقای قربیبیان، شما سابقه فیلمنامه نویسی و کارگردانی دارید. این موضوع باعث نمی‌شود در آثاری که بازیگر هستید بخواید فیلمنامه سکانس‌های خود را توش کنید یا درباره کارگردانی نظر دهید؟**

**قربیبیان:** همه چیز به خود متن برمی‌گردد. چون وقتی یک کار را می‌پذیری دیگر باید بر اساس آن جلو بروی. من خیلی از کارها را نمی‌پذیرم. در این سریال با آقای لفافیان احساس گذاشتم. در همه کارهایی که هستم نظراتم را می‌گویم؛ این کار به سعه‌صدر و دانش تهیه‌کننده و کارگردان برمی‌گردد. او می‌تواند موافقت یا مخالفت کند و در این گفت‌وگوها به نتیجه می‌رسیم که همکاری کنیم و از آن به بعد حرف، حرف کارگردان است چون اشراف بیشتری دارد.

یک جاهایی هم هست که به دلیل شناخت بازیگر از شخصیتی که آن را بازی می‌کند، خودش مواردی را اضافه می‌کند. یک نکته دیگر که می‌خوامم اضافه‌کنم این‌است که اصولاً کارگردانی از بازیگری کار خیلی سخت‌تری است. بازیگر کار خود را می‌کند و نهایتاً هوای بازیگر مقابل را دارد. کارگردان و تهیه‌کننده باید حدود صد نفر حاضر در پروژه را مدیریت کنند. کارگردان باید برای همه بازیگران گوش‌شونا داشته باشد. در عین حال باید حواسش باشد تحت‌تاثیر من نوعی قرار نگیرد و به کل کارش لطمه نزند. در این کار جاهایی که فکر می‌کردم می‌توانم کمکی کنم پیشنهاد می‌دادم، گاهی قبول می‌کردند و گاهی نه.



**❗ آقای محمودی، آنچه از یک انقلابی در ذهن ما وجود دارد برون‌گرایی است اما شخصیت دامون در صحنه‌هایی که با پرخاش‌های برزو مواجه می‌شود با خونسردی پاسخ می‌دهد، بدون این‌که درگیر شود. این ویژگی‌ها از ابتدا وجود داشت و خواست کارگردان بود یا این‌که در گفت‌وگو با آقای لفافیان خواستید دامون را این‌گونه تصویر کنید؟** **محمودی:** دامون اگر بخواهد مقابل برزو از خود برون‌گرایی نشان دهد، با آزارهای او مواجه می‌شود. بخش دیگرش هم که درباره آن از ابتدا با آقای لفافیان گپ زدم این بود که فکر می‌کنم اس‌اسا کسی که می‌تواند یک حرکت انقلابی انجام دهد باید یک مقدار آرامش هم داشته باشد تا بتواند کاری کند. یک آدم دازدن و همه چیز خراب‌کن نیست. در این قصه هم یکی دو جا برون‌ریزی عجیب و غریب دامون را می‌بینیم ولی به غیر از آن نیست. یک ویژگی بود که در این کار وجود داشت و کمتر از آن در کارهای دیگر دیده‌ام این است که من هم به‌عنوان بازیگر یک بخش را بازی و مثلاً بعد از آن با حمید مشورت می‌کردم و او می‌گفت این واکنش از چنین شخصیتی درست نیست و ... من هم رویش فکر می‌کردم و می‌دیدم درست می‌گوید. بعد خواهش می‌کردم دوباره آن بخش را بازی کنیم. زمانی که یک نکته از پارتنتر می‌شنیدی احساس نمی‌کردی که او دارد تلاش می‌کند خودش بیشتر دیده شود. چون متأسفانه خیلی این اتفاق می‌افتد خصوصاً در تلویزیون. به‌ویژه بزرگ‌ترها گاهی چیزهایی به تو می‌گویند و تو انجام می‌دهی و در نهایت می‌بینی شخصیتی که خلق کرده‌بودی نابود شد و در آن سکانس اصلاً دیده نشدی. این اتفاق در کلبه‌ای در مره نیفتاد.

**ابراهیمی:** این اولین بار بود که با آقایان پروینی و لفافیان کار می‌کردم. آقای لفافیان بسیار صبور و رقیق هستند. یک روز من آن قدر حالم بد بود که به زمین و زمان گیر می‌دادم ولی ایشان خیلی حرفه‌ای از کنار این مساله رد شدند و من واقعا شرمندۀ شدم. فردا رویه خودم را عوض کردم. با کارگردانان زیادی کار کردم، اما این ویژگی منحصر به ایشان است. لیکن از روی لب‌شان پاک نمی‌شود. آقای پروینی هم آرامش و صداقت کلام دارد که باعث می‌شد خود را با آنها همراه کنی. این دو ویژگی باعث می‌شود با تمام دشواری‌های تولید، خود را با گروه همراه منطبق کنی.

**❗ خانم حسینی، صحبت از بازیگر روبه‌رو شد. شما ظاهراً جوان‌تر از دیگر دوستان**

#### با لهجه یا بی لهجه؛ مساله این است

یاد می‌گرفتیم. همه کسانی که آن فیلم را دیدند فکر می‌کردند من کرمانی هستم. اگر تعریف از خود نباشد، به نظرم لهجه را درخشان درآوردم. الان دیگر چنین زمانی در اختیار تو نمی‌دارند. این حرفی که سام درباره فرار از لهجه می‌زند درست است. قربیبیان؛ چون در این صورت با لهجه حرف‌زدن ریسک است.

**❗ امکان این وجود نداشت بازیگرانی مثل آقای ابراهیمی که تسلط دارند، به لهجه‌ها کمک می‌کردند؟** ابراهیمی: لهجه گیلانی سخت‌ترین لهجه در ایران است.

**❗ چرا؟** ابراهیمی: ما در گیلان ۵۰ لهجه داریم ولی اکثریت مردم با یک نوع آن آشنا هستند. در برخی کارها هم این لهجه کمدی شده‌است. مگر سر پایتخت هم اعتراض نشد که کدام ماژندران این‌گونه حرف می‌زند؟ من هم به این معتقدم. البته سریال ادامه پیدا کرد و مردم هم پذیرفتند. ریسک کردن درباره لهجه گیلانی خیلی سخت است.

پروینی: البته ما مشاور لهجه سر صحنه داشتیم و به دوستان کمک می‌کرد. شخصیت نادر و خواهرش از ابتدا برای ما مساله بود و من به عنوان تهیه‌کننده می‌دانستم اگر این دو، لهجه داشته باشند، دچار حاشیه می‌شویم و برای همین این کار را نکردیم.

ابراهیمی بیشتر است، دلیلش حضور بیشتر این شخصیت در روستا نسبت به دیگری است. قربیبیان: کلا لهجه ریسک است. فکر کنید برای من معلم هم بگیرند تا بتوانم اجرا کنم. وقتی بچه‌هایی داریم که اصالتاً گیلانی هستند، خودم را بکنشم هم نمی‌توانم مثل آنها حرف بزنم. در سریال میرزا کوچک خان مهدی هاشمی جای خودش حرف می‌زند که گیلانی هم هست. حتما میرزا و دکتر حشمت گیلکی حرف می‌زدند اما اگر قرار بود با همان گویش صحبت کنند و از شبکه یک پخش شود، مردم بقیه شهرها متوجه دیالوگ‌ها نمی‌شدند. در فیلم ستارخان هم قطعا ستارخان و باقرخان با همدیگر ترکی حرف می‌زدند ولی در فیلم، زنده‌یاد جلیلوند و آقای اسماعیلی، تهرانی حرف می‌زنند. من به لهجه حرف نمی‌زنم چون مسلط نیستم، نمی‌خواهم طنز شود. دیگر این‌که مخاطب دیگر استان‌ها هم متوجه شوند. لهجه مخاطب را محدود می‌کند. باید به مخاطب ۸۰ میلیون فکر کنیم.

محمودی: اساساً چیزی به اسم پیش‌تولید نه تنها در تلویزیون که در سینما هم وجود ندارد. یعنی امکان این‌که برای درآوردن لهجه و درخشان بازی‌کردن آن، به توانایی برسی وجود ندارد. این موضوع مستلزم پیش‌تولید مناسب است. من برای فیلم «خسته نباشید» معلم لهجه کرمانی داشتم ولی بعد از آن دیگر برایم اتفاق نیفتاد. آقای میرکریمی تهیه‌کننده آن فیلم بود که ما را دو هفته قبل از شروع کار، به کرمان فرستاد آنجا فقط استراحت می‌کردیم ولی درواقع داشتیم با محیط آشنا می‌شدیم و کرمانی

نه آنقدر که به فیلمنامه لطمه بخورد. متن از قبل به ما رسیده بود و فقط بازنویسی شد.

**❗ خوندان بازنویسی کردید؟** لفافیان: آقای لطفیان بازنویسی کردند. البته دستیار هم داشتند که البته براساس متن اولیه بود. چارچوب همان است ولی شخصیت‌ها دوباره پرداخت شدند. می‌جان در فیلمنامه پیشین خیلی خنثی‌تر از چیزی بود که الان می‌بینید، شخصیت دامون هم همین‌طور. شخصیت خانزاده (برزو) هم این نبود. خان بزرگ هم دیوانه گوشه‌گیر بود که اصلاً ارتباطی برقرار نمی‌کرد، اما الان به گونه‌ای است که این شخصیت برای شما مهم شده‌است. درباره لهجه هم اضافه‌کنم که ما دانسته به این سمت رفتیم که به کسی توهین نکنیم یعنی اگر کسی کلاه‌بردار و شخصیت منفی است، لهجه نداشته‌باشد.

**❗ یعنی به تهرانی‌ها بر نمی‌خورد؟** لفافیان: نمی‌شود این‌گونه گفت. تهرانی‌ها خود لهجه خاص دارند که اگر به آن لحن صحبت می‌شد می‌توان گفت تهرانی هستند و گرنه خیلی از کسانی که در تهران زندگی می‌کنند، تهرانی نیستند اما دیگر با لهجه خود هم حرف نمی‌زنند. مثلاً خود من ۳۰ و چند سال است ساکن تهران هستم. لهجه هم ندارم ولی تهرانی نیستم. به هر صورت در انتخاب لهجه لهجه کردیم. دانسته به سمتی رفتیم که آقای قربیبیان اصلاً لهجه نداشته‌باشد ولی در فیلمنامه، شمالی است. با نویسنده به این نتیجه رسیدیم این شخصیت از بچگی در تهران درس خوانده‌است. اگر شخصیتی که خانم حسینی بازی می‌کند کمی لهجه‌اش از آقای

#### مدتی است بسیاری از سریال‌ها

پایان بندی را به گونه‌ای رقم می‌زنند که مخاطب انتظار فصل بعدی را داشته‌باشد.

**❗ برای کلبه‌ای در مره این اتفاق می‌افتد؟**

**پروینی:** ما هم به فصل دوم فکر کرده‌ایم. با نویسنده هم صحبت کردیم. بستگی به تصمیم سازمان و اقبال مخاطبان دارد. **❗ آقای لفافیان، علاقه‌مند هستید اگر سریال فصل دوم داشته‌باشد شما آن را**



دوستان داشته‌باشیم تا به کاری بهتر برسیم. اگر قرار است در همین سطح باشد یا ضعیف‌تر، ترجیح می‌دهیم ادامه نداشته‌باشد و خارطه فصل یک در ذهن مخاطبان بماند.

ولی قصه کاملاً جای ادامه‌دار شدن دارد. چون بار قصه بالاست، ما چیزهایی را در این فصل حذف کردیم که اگر وارد قصه شود آن را به فصل سوم هم می‌رساند. ❗